خوانش مردم‌نگارانهٔ حظ حرارتی پنهان در سنت معماری اقلیم کویر

فاطمه اکرمی ابرقویی*، محمدحسین آیت‌اللهی**، حسین افراسیابی***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۰۵

چکیده

سنت معماری اقلیم کویر آموزه‌های پیدا و پنهانی را در بطن خودش نهفته دارد. آفرینش فضاهای حسی غنیْ از جملهٔ مواهبی است که معماری این بوم ارائه می‌کند. بخش چشمگیری از تجارب حسی انسان‌ها در فضاهای مختلف معماری کویری، به‌وسیلهٔ حرارت شکل می‌گیرد. حرارت نیز مانند سایر محرک‌های حسی می‌تواند در غنای درک انسان از فضا مشارکت کند و علاوه بر کمّیّت دمایی، کیفیتی را در قالب حظّ از آن پدید بیاورد. مفهوم حظّ حرارتی کیفیتی است که ادراک رضایت‌بخش و توأم با احساس مثبت انسان را از شرایط حرارتی در یک فضای مشخص تعریف می‌نماید. اینکه حظّ حرارتی در بستر معماری سنتی کویری چگونه شکل می‌گیرد و ساکنانش چگونه آن را درک می‌کنند، موضوعی است که تاکنون مطالعه نشده است. بر این اساس، پژوهش حاضر چگونگی شکل‌گیری حظّ حرارتی را در سنت معماری شهرهای کویری جست‌وجو می‌کند.این پژوهش با روش‌شناسی کیفی، از روش مردم‌نگاری بهره گرفته است. ازاین‌رو، برای کشف و فهم چگونگی شکل‌گیری حظّ حرارتی، با استمداد از تکنیک مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته و مشاهدهٔ مستقیم، تجارب زیستهٔ افراد را در معماری سنتی کویر واکاوی می‌کند. مقایسه میان کدهای استخراج‌شده و تحلیل آن‌ها نشان می‌دهد که تمایز حرارتی میان فضاهای هم‌جوار سبب تجربهٔ حظّ حرارتی برای افراد می‌گردد. در شرایطی که فرد به‌واسطهٔ تعامل میان اقلیم و فضای معماری، از حالت تعادل دمایی خودش خارج می‌گردد، مواجهه با فضایی که بتواند او را به حالت تعادل حرارتی خودش بازگرداند، برای وی حظّ حرارتی را پدید می‌آورد. مفهوم تمایز حرارتی در تعامل میان سه حلقهٔ انسان و معماری و اقلیم، اشتراکی را برقرار می‌کند تا موقعیت درک حظّ حرارتی فراهم گردد. در سنت معماری کویر، ایجاد فضاهای هم‌نشین با تمایز حرارتی مشخص، الگوی نهفته‌ای است که می‌تواند راهنمای طراحی‌های آینده برای غنی‌کردن منظر حسی حرارت باشد.

کلمات کلیدی: معماری سنتی، حرارت، ادراک حسی، حظ حرارتی، کیفیت محیط.

* پژوهشگر دکترای معماری، گروه معماری، دانشکدهٔ هنر و معماری، دانشگاه یزد، ایران.
** دانشیار گروه معماری، دانشکدهٔ هنر و معماری، دانشگاه یزد، ایران. hayatollahi@yazd.ac.ir
*** دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکدهٔ علوم‌اجتماعی، دانشگاه یزد، ایران.

این مقاله بخشی از مطالعات مردم‌نگارانهٔ رسالهٔ دکترای نویسندهٔ اول است که با عنوان از آسایش حرارتی تا حظ حرارتی: تبیین عوامل مؤثر در ادراک کیفیت حرارتی محیط ساخته‌شده با راهنمایی دکتر محمدحسین آیت‌اللهی و مشاورهٔ دکتر حسین افراسیابی در دانشکدهٔ هنر و معماری دانشگاه یزد در حال انجام است.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-02-15]
[DOR: 20.1001.1.20084994.1400.40.175.2.5]
[DOI: DOI: 10.22034/40.175.79]

مقدمه

معماری سنتی تحت اثر شرایط اقلیمی و فرهنگی هر بوم، بیانگر قرن‌ها تجربهٔ اندوخته است که به‌مثابه گنجینه‌ای پنهان، آموزه‌های بی‌شماری در بر دارد. شناسایی و حفاظت و بهره‌گیری این آموزه‌ها، ضمن اینکه به‌نوعی پاسداری از سرمایه‌های آن بوم به حساب می‌آیند، به کشف رمزورازها و نمادها و نشانه‌هایی نهفته در آن نیز می‌انجامد که می‌تواند در طراحی‌های جدید جاری گردند (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸: ۲). اقلیم کویری ایران، علی‌رغم تمام خشونت‌های آب‌وهوایی، محمل آفرینش زیبایی‌های بی‌نظیری در معماری فضاهای حسی است.

محرک‌های حسی محیط، همچون نور، رنگ، بافت، حرارت، بو و غیره، علاوه بر ارتفاع نیازهای اساسی بر احساسات، بر هیجانات و به‌تبع آن، بر رفتار انسان نیز اثر می‌گذارند (Ornetzeder, 2016). تجربهٔ حسی انسان در محیط‌های مختلف، طیفی از مواجههٔ ساده تا پیچیده را فراهم می‌کند؛ به‌گونه‌ای که هرچه محیط بتواند پیام‌های حسی غنی‌تری را عرضه کند، احتمال درک کیفیت آن تجربهٔ حسی برای انسان بالاتر می‌رود. از آنجا که محیط، حواس انسان را نسبت به جزئیات حساس می‌کند، توجه او را نیز بر برخی از محرک‌های خاص متمرکز می‌کند(شیرازی، ۱۳۹۱). به‌عنوان مثال، برخی از فضاهای خاصْ صدا و بوی ویژه‌ای دارند که منظر حسی آن فضا را شکل می‌دهند؛ همانند منظر صوتی فضای پیرامون یک باغ یا منظر بویایی راسته‌های مختلف بازار ایرانی. چنین تجارب حسی‌ای غالباً برای انسان آن‌چنان خوشایند ارزیابی می‌شوند که او را تشویق به امتداد تجربهٔ آن می‌نمایند. در زمینهٔ ادراک محرک‌های حسی، کاباناک اشاره می‌کند که با تحریک یک نورون حسی، چهار بُعد به‌طور هم‌زمان درک می‌شوند: ماهیت (مثل گرم یا سرد بودن)؛ شدت (میزان گرمی و سردی)؛ کیفیت در قالب حظ/ملال (دل‌پذیری یا خلاف آن)؛ مدت‌زمان (دوام درک آن) (Cabanac, 1971). به‌استناد این موضوع، چنانچه فرد در مواجهه با یک منظر حسی قرار بگیرد، علاوه بر درک ماهیت و کیفیت و کمّیّت آن، خوشایندی آن را در قالب مفهوم «حظ» تجربه می‌کند.

پژوهش‌های متعددی مناظر حسی مختلفی چون بینایی، بویایی، شنوایی، لامسه و سایر حواس دیگر را در معماری موردتأمل قرار داده‌اند. شاهچراغی، (۱۳۸۸) و تقدیر (۱۳۹۶) و لطفی و زمانی (۱۳۹۳) بر اهمیت توجه به کارکرد این مناظر در طراحی معماری تأکید نموده‌اند. اگرچه سهم عمده‌ای از تجارب حسی انسان در فضاهای مختلف به‌وسیلهٔ حرارت (به‌معنی علمی کلمه یعنی گرما و در صورت فقدان آن، سرما) صورت می‌گیرد؛ اما به‌عنوان یک منظر حسی مؤثر، کمتر پژوهش شده است. حرارت نیز مانند سایر محرک‌های حسی می‌تواند در غنای ادراک محیط مشارکت کند و موجبات آسایش انسان را به‌معنی واقعی کلمه فراهم کند (Taleghani et.al., 2013). در این راستا، مفهوم «حظ حرارتی» بر ادراک رضایت‌بخش و توأم با احساس مثبت از شرایط حرارتی محیط دلالت دارد که فرد را به تجربهٔ دوبارهٔ آن تشویق می‌کند. در حال حاضر، برخی محققان برای ارتقای کیفیت «آسایش حرارتی» محیط، به این مفهوم توجه قرار کرده‌اند؛ چراکه یک محیط حرارتی مطلوب می‌تواند به سطحی فراتر از تأمین آسایش حرارتی ارتقا یابد و مقدمات حظّ انسان را فراهم آورد. واکاوی پژوهش‌های پیرامون این مفهوم نشان می‌دهد که تمرکز اصلی آن‌ها در جهت کشف سازوکار فیزیولوژیک آن (پارکینسون و دی دیر و کاندیدو، ۲۰۱۶) یا طراحی روش‌های سنجش کمّی آن

[Downloaded from jhre.ir on 2026-02-15]
[DOR: 20.1001.1.20084994.1400.40.175.2.5]
[DOI: DOI: 10.22034/40.175.79]

بوده است (لیو و همکاران،۲۰۲۰). حال آنکه درک‌کردن حظ، ماهیتی انسان‌مدارانه دارد که باید با درنظرگرفتن او در بستر زندگی واقعی ملاحظه شود.

پژوهش حاضر با تمرکز روی ایدهٔ حظّ حرارتی، در پی آن است که چگونگی شکل‌گیری آن را در بستر غنی معماری سنتی کویری ایران واکاوی کند. مفهوم معماری سنتی در این پژوهش بر الگویی شناخته‌شده در معماری اقلیم کویری دلالت دارد که در طول زمان‌های گذشته، دست‌به‌دست شده است و اکنون به‌عنوان تبلور معماری این اقلیم به شمار می‌رود. با توجه به انسان‌محور بودن ماهیت موضوع و منابع مطالعاتی مکتوب اندک در این زمینه، ضروری است که داده‌های موردنیاز برای مطالعه بر اساس تجربهٔ زیستهٔ واقعی افراد جست‌وجو گردند. یافته‌های این پژوهش آموزه‌های پنهان در سنت معماری این خطّه را عیان می‌کند تا بتواند راهنمایی برای طراحی و برنامه‌ریزی و پژوهش‌های آتی باشد.

پرسش‌های پژوهش

– عوامل اصلی در شکل‌گیری حظّ حرارتی در معماری سنتی اقلیم کویری کدام‌اند؟هریک از این عوامل چه رابطه‌ای با یکدیگر برقرار می‌کنند؟

– افراد در کدام‌یک از مصادیق معماری سنتی کویری، بیشتر حظّ حرارتی را تجربه نموده‌اند؟ به‌واسطهٔ کدام شرایط و علت؟

– آموزه‌های معماری سنتی کویری برای خلق فضاهایی با پتانسیل حظّ حرارتی چیست‌اند؟

ادبیات موضوع

لذت[1] از مفاهیم آشنا برای انسان‌هاست که در باور عامه برابر با احساس خوشایندی، دل‌پسندی و تعابیری از این قبیل دانسته شده است (حسینی، ۱۳۹۶). لذت در لغت به‌صورت حالتی دل‌پذیر و خوشایند برای نفس تعریف شده است. در فارسی، واژگان دیگری چون «حظ» و «شعف» دلالت بر همین مضمون دارند که به‌واسطهٔ سطح برانگیزش انسان، متفاوت به کار می‌روند. در فرهنگ فارسی، لذتی که بتواند از لحاظ روانی بهرهٔ والاتری را برای انسان فراهم کند، برابر با «حظّ» تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۷۷). ازاین‌رو، درکی که انسان از محیطی خوشایند و مطلوب دارد، به‌دلیل اینکه روان او را بیشتر با خودش درگیر می‌کند و جنبه‌ای شناختی به خودش می‌گیرد، می‌تواند با واژهٔ حظ بیان گردد.

روان‌شناسان لذت را هیجانی می‌دانند که رضایت و احساس مثبت و شادی به بار می‌آورد (Plutchik & Kellerman, 1980). اکثر فلاسفهٔ مسلمانْ لذت را به ادراک امر ملایم و سازگار با طبع تعریف کرده‌اند که موجب خرسندی انسان می‌شود (ایرجی‌نیا، ۱۳۹٤). در بسیاری از آراء، لذت یکی از اساسی‌ترین انگیزه‌های رفتار در انسان شمرده می‌شود؛ چراکه طبیعتاً انسان‌ها به‌دنبال انجام کاری می‌روند که لذت‌بخش باشد و از انجام کاری که درد و رنج را برای آنان همراه داشته باشد، دوری می‌کنند. ازاین‌رو، به مطالعهٔ مقولهٔ «لذت» به‌عنوان کلیدی برای اعتلای کیفیت زندگی انسان توجه شده است (سلیمانی، ۱۳۸۹).

ادراک کیفیت حاصل از تجربهٔ حسیِ محیط غالباً با تجربهٔ والاتر مفهوم لذت همراه است؛ یعنی حظ. ازاین‌رو، اینکه آیا انسان در مواجهه با یک محیط از آن حظ برده است، می‌تواند ملاک ارزیابی کیفی آن محیط قرار گیرد. ایدهٔ درک کیفیت حرارت که در این مقاله تحت عنوان «حظّ حرارت» ارائه شده است، اولین بار از سوی معمار آمریکایی، لیزا هشانگ، ارائه شد. او با مطالعه بر فضاهای حرارتی در کشورهای مختلف، اذعان کرد که یک محیط حرارتی، به‌اندازهٔ محیط‌های

[Downloaded from jhre.ir on 2026-02-15]
[DOR: 20.1001.1.20084994.1400.40.175.2.5]
[DOI: DOI: 10.22034/40.175.79]

بصری یا صوتی یا بویایی غنی است و می‌تواند سطح بالایی را از حظّ حرارتی (شعف) شکل دهد (هشانگ، ۱۳۹۳). اهمیت کیفیت حرارتی در فضای معماری سبب شد تا محققانِ آسایش حرارتی بر مفهوم حظّ حرارتی تأکید کنند و برخی از پژوهش‌های دیگر با تمرکز بر این مفهوم، سعی بر اندازه‌گیری آن در محیط‌های مختلف، از طریق روش‌های کمّی نمودند (جدول شماره ۱). اگرچه دستاورد این پژوهش‌ها در تکمیل نظریاتی مانند آسایش حرارتی مؤثر واقع شده‌اند، اما به‌لحاظ درنظرنگرفتن عوامل معماری و همچنین ابعاد روان‌شناختی و رفتاری انسان‌ها، در معرض نقد قرار دارند (Binarti et.al, 2020). لذا آنچه پژوهش حاضر را ضروری می‌کند، فقدان مطالعات کیفی در بافت‌های مختلف معماری است که افراد درک حظّ حرارت را در آن به‌صورت واقعی تجربه می‌کنند. دستاورد این‌گونه از پژوهش به‌موازات سایر پژوهش‌های کمّی در حال توسعه، سبب هم‌افزایی برای نیل به تدوین یک نظریهٔ کاربردی می‌گردد.

ج۱. مروری بر پژوهش‌های متمرکز بر مفهوم «حظّ حرارتی»

محقق	مفهوم مورد استفاده	روش پژوهش	هدف پژوهش	برآیند پژوهش
لیزاهشانگ (۱۹۷۹)	Thermal Delight	کیفی- توصیفی	بررسی فضاهای حرارتی مطلوب در جوامع غربی و شرقی	توصیف مصادیق حظ حرارتی افراد بر اساس ضرورت، عاطفه، شعف و تقدس یک مکان حرارتی
نیکولوپولو (۲۰۰۳)	Thermal Pleasure	کیفی- توصیفی	مطرح کردن حظ حرارتی، کنار سازگاری برای تکمیل آسایش حرارتی انسان	تأکید بر مفهوم حظّ حرارتی جهت ارتقای آسایش حرارتی
گیل برگر و همکاران (۲۰۱۵)	Thermal Pleasure	کیفی- توصیفی	نقد مبانی آسایش حرارتی به‌سوی جنبه‌های کیفی‌تر و انسانی‌تر آن	تأکید بر مفهوم حظّ حرارتی جهت ارتقای آسایش حرارتی
پارکینسون و همکاران (۲۰۱۶)	Thermal Alliestesia[۲]	کمّی- آزمایشگاهی	بررسی فیزیولوژیکی لذت‌بردن از حرارتی با تغییر متغیرهای آب‌وهوایی در محیط آزمایشگاهی	ارائهٔ میزان هم‌بستگی متغیرهای در محیط آزمایش
شویکر و همکاران (۲۰۲۰)	Thermal Alliestesia	کمّی- آزمایشگاهی	بررسی تناقض میان سازگاری حرارتی و آلیستیژیا در فصول مختلف	سنجش ارتباط بین فصل و جنسیت و دمای مؤثر
لیو و همکاران (۲۰۲۰)	Thermal Pleasure	کمّی- آزمایشگاهی	بررسی آسایش حرارتی محیط باز شهری (سیدنی) از ٦ بُعد مختلف؛ از جمله حظ حرارتی	تأکید بر مطالعات بیشتر حظ حرارتی برای فهم چگونگی ادراک کیفیت حرارت در محیط باز

روش‌شناسی

روش‌های ذیل روش‌شناسی کیفی، برای مطالعهٔ اکتشافی موضوعاتی که به‌طور گسترده مطالعه شده‌اند، می‌توانند توجه شوند؛ زیرا در این دیدگاه، محقق علاوه بر اینکه منابع مستند کافی در دسترس ندارد، متغیرهای ازپیش‌تعریف‌شده‌ای نیز ندارد. به همین دلیل، اجازه می‌دهد جایگاه پدیده از دل داده‌ها روشن گردد (Camic, Rhodes, & Yardley, 2003). در این پژوهش، بنا بر هدف آن، ضروری است تا پدیدهٔ حظّ حرارتی معماری اقلیم کویر، درزمینهٔ خود و رها از ارائهٔ باورها و نظرات ناقص، در شرایط طبیعی زندگی انسان‌ها مطالعه شود. روش‌های کیفی متعددی می‌توانند حظّ حرارتی را در متن زندگی افراد واکاوی کنند. یکی از روش‌های کیفی‌ای که به محقق کمک می‌کند تا بتواند به توصیف یا تفسیر تجارب، ارزش‌ها، رفتارها، عقاید و زبان مشترک یک گروه خاص بپردازد، مردم‌نگاری است (ایمان، ۱۳۹۱). ویژگی خاص این روش این است که محقق به‌عنوان یک مشاهده‌گر، مجزا عمل نمی‌کند؛ بلکه با رابطهٔ نزدیک با انسان‌هایی که بخشی از مطالعه را تشکیل می‌دهند، سعی در فهم دقیق‌تر پدیده می‌نماید (منادی، ۱۳۸٦). این روش کمک می‌کند تا برداشت و تجارب افراد نسبت به موقعیتی که تجربه کرده‌اند، شناخته شود تا محقق به حقیقت پدیده نزدیک‌تر شود.اگرچه این روش در حوزه‌های علوم انسانی موردتوجه است، اما به‌دلیل ماهیت اکتشافی آن، در حوزهٔ معماری نیز می‌تواند مسائل انسانی را بحث و

[Downloaded from jhre.ir on 2026-02-15]
[DOR: 20.1001.1.20084994.1400.40.175.2.5]
[DOI: DOI: 10.22034/40.175.79]

بررسی کند.

در این پژوهش، با توجه به هدف موضوع، از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا فضاهایی را که برای آنان از لحاظ حرارتی لذت‌بخش بوده است، توصیف کنند. پس از انجام مصاحبه‌ها، باتوجه به محتوای آن، محققان در فضاهای اشاره‌شده حضور یافتند و تلاش کردند مباحث مطرح‌شده را در آن فضا تجربه کنند. در برخی از موارد تلاش می‌شد تا مصاحبه‌ها در مکان‌های مورداشاره توسط مصاحبه‌شوندگان برگزار گردند. هر مصاحبه به‌طور متوسط بین ۳۰ دقیقه تا ۱ ساعت و ۳۰ دقیقه به طول انجامید. انجام پژوهش حاضر از طریق مجموعه‌ای از فعالیت‌های هدفمند، به این شرح انجام گرفت: ۱. مشارکت‌کنندگان (تعداد ۱۱ مرد و ۷ زن) با روش نمونه‌گیری هدفمند، از افراد بومی شهرهای کویری در استان‌های یزد، اصفهان، کرمان، کاشان و قم انتخاب شدند که در بافت‌های قدیمی شهر، تجربهٔ زندگی داشتند. این افراد به طور متوسط بین ۱۸ تا ۷۲ سال سن داشتند. نمونه‌گیری از چند گروه افراد از حیث وضعیت فرهنگی و اقتصادی و تحصیلی کمک کرد تا دیدگاهی جامع از پدیدهٔ حظّ حرارت صورت گیرد؛ ۲ . مصاحبه‌ها به‌صورت نیمه‌ساختاریافته و در محیطی کاملاً صمیمانه، در دو فصل تابستان و زمستان صورت پذیرفتند و محققان تلاش کردند تا به‌دور از پیش‌فرض‌های شکل‌گرفته، فرایند مصاحبه و تحلیل داده‌ها را به پایان برسانند؛ ۳. مصاحبه‌ها به‌شکل یادداشت‌های مفصل مکتوب گردیدند. همچنین ترسیمات و تصاویری که از سوی مشارکت‌کنندگان ارائه شدند، برای تحلیل دقیق‌تر به کار گرفته شدند؛ ٤. رخدادها و تجربیات بلافاصله از سوی محققان در بافت موردمطالعه، به‌طور مفصل توصیف شدند؛ ۵. تمام داده‌های گردآوری‌شده با سه دور مرور پی‌درپی کدگذاری شدند و کدها از طریق مقایسهٔ منظم[3] تحلیل شدند؛ ٦. نتایج پس از تکمیل فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها به درجه‌ای از اشباع محتوایی[4] رسید که پس از آن، داده‌های کاملاً تازه و با معانی متناقض به دست نیامدند.

تحلیل داده‌ها در روش مردم‌نگاری، یا با تفسیر عمیق روایت می‌شوند یا با تکنیک تحلیل متناسب، مانند تحلیل مضمون،[5] مقایسه می‌شوند. بر این اساس، تکنیک تحلیل مضمون به‌مثابه یک شیوهٔ تحلیل داده است که نبایستی به‌خطا به‌عنوان یک روش تحقیق قلمداد گردد. در تحلیل مضمون، داده‌های گردآوری‌شده بر اساس مقوله‌های معنایی مشترک گروه‌بندی می‌شوند و در نهایت بر اساس وجوه مشترک عبارات گروه‌بندی‌شده در هرکدام از مقولات و طی فرآیندی سلسله‌مراتبی، کدهای اولیه و فرعی در مرحلهٔ نهایی، کد مرکزی (کد اصلی) شناسایی می‌شود (Braun & Clarke, 2006). در پژوهش حاضر نیز برای تحلیل داده‌های گردآوری‌شده، از این روش استفاده شده است. این روش تحلیل داده‌های متنی، در حوزه‌های ارتباط انسان و محیط که با روش‌های مختلف کیفی صورت می‌گیرند، استفاده می‌شود.

یافته‌ها

تحلیل و مقایسهٔ کدهای استخراج‌شده از مصاحبه‌ها و مشاهدات محققان، ویژگی‌های مختلفی را برای توصیف فضاهای مطلوبی که در آن حظ حرارتی شکل می‌گیرد، معرفی می‌کند. فرایند رفت‌وبرگشتی و مقایسهٔ مکرر میان کدهای به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که فضاهای متنوعی از معماری شهرهای کویری تجربهٔ حظ حرارتی را برای افراد فراهم می‌کنند. گسترهٔ این فضاها از مقیاس بسیار خرد حوزهٔ اقامت یک فرد در اتاق، تا اندام‌های درشت شهری را شامل می‌شود. آنچه در هدف این تحقیق مهم می‌نمود، جست‌وجوی ویژگی مشترکی بود

[Downloaded from jhre.ir on 2026-02-15]
[DOR: 20.1001.1.20084994.1400.40.175.2.5]
[DOI: DOI: 10.22034/40.175.79]

که در تمامی فضاهای خرد تا کلان وجود داشته باشد و بتواند پیوندی واحد را نشان دهد. یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها به‌روش تحلیل مضمون نشان می‌دهند که کدهای پراکنده می‌توانند در چهارچوب ۱۷ کد اولیه سامان پذیرند. پس از آن، با مقایسهٔ نظری این کدها، سه کد فرعی که تمامی ابعاد و ویژگی‌های مشترک کدهای اولیه را پوشش می‌دهند، پیشنهاد گردیدند. کدهای فرعی ویژگی‌های فضایی و رفتاری و حرارتی را توصیف می‌کنند که هریک، به‌ترتیب اهمیت نقش معماری و انسان و اقلیم را نشان می‌دهند (جدول شماره ۲).

ج۲. سطوح مختلف کدهای استخراج‌شده از مصاحبه‌ها بر اساس تحلیل مضمون

کدهای اولیه	کدهای فرعی	کد اصلی
فضاهای پی‌درپی	ویژگی‌های فضایی	تمایز حرارتی
فضاهای هم‌جوار		
کریدورهای انتقال خنکا		
حوزه‌های کانونی گرم		
آستانه‌ها		
خنکای پخش‌کننده	ویژگی‌های رفتاری	
گرمای جمع‌کننده		
تنظیم مبلمان بر اساس حرارت		
گرم و سرد شدن موضعی		
جذابیت فضای آفتاب‌گیر		
قرارگیری در مسیر بادخور		
پاتوق حرارتی		
تفاوت حرارتی	ویژگی‌های حرارتی	
گرمای کند		
گرمای سریع		
اختلاف حرارتی		
تضاد حرارتی		

هریک از این سه زمینه، به‌مثابه حلقه‌های به هم پیوندخورده عمل می‌کنند که با هم و کنار هم، زمینهٔ شکل‌گیری حظ حرارتی را فراهم می‌نمایند. بر اساس ویژگی‌های مشترک و تکمیل‌کنندهٔ کدهای اولیه و فرعی، تمایز حرارتی به‌عنوان پدیدهٔ محوری و کد اصلی معرفی می‌شود. این پدیده، عامل اصلی شکل‌گیری حظّ حرارتی در فضای معماری شهرهای کویری است که در زمینه‌های ذکرشده، نقش‌آفرینی می‌کند. در ادامه، هریک از زمینه‌های مؤثر و پدیدهٔ محوری در پاسخ به سؤال تحقیق بحث می‌شوند و مصادیق آن‌ها بررسی میگردند.

ویژگی‌های فضایی: مقایسهٔ یافته‌های پژوهش از تجارب زیستهٔ افراد نشان می‌دهد که درک حظّ حرارتی در مقیاس خرد و در موقعیت‌های فضایی خاص صورت می‌گیرد. به‌عبارت دیگر، آنچه به‌عنوان یک تجربهٔ دل‌نشین حرارتی در ذهن افراد ماندگار شده است، بخشی از یک کلّ معماری است. ازاین‌رو، بایستی تحلیل را بر حوزه‌های خرد متمرکز نمود. افراد غالباً بهترین تجربهٔ حظّ حرارتی خودشان را در فضاهای پی‌درپی، هم‌جوار، کریدورهای انتقال خنکا، حوزه‌های کانونی گرم و بالاخص، آستانه‌ها توصیف می‌کنند.

در سنت معماری کویری، حوزه‌بندی فضایی علاوه بر آنکه می‌تواند کیفیتی باشد که باعث ایجاد هویت‌های خاص برای معماری گردد (حیدری و تقی‌پور: ۷۹)، محدودهٔ دمایی متفاوت و قاب‌لتشخیصی را در اختیار ساکنان قرار می‌دهد؛ به‌طوری که افراد برای دسترسی به فضاهای متفاوت، ممکن است از چندین فضا با دمای متفاوت عبور نمایند. این نظام ساختاری سبب می‌شود تا در یک مقطع زمانی مشخص، فرد پیام‌های حرارتی متنوعی را دریافت کند. در این شرایط، به فراخور زمان و فصل، مطلوب‌بودن یا نبودن هریک از این فضاهای حرارتی برای فرد تعیین می‌شود. هرچقدر فاصلهٔ نقطهٔ مطلوب حرارتی با شرایط موجود بیشتر باشد، پتانسیل درک حظّ حرارتی در آن فضا نیز بیشتر می‌گردد.

در یک فضای بسته نیز مشابه این رویداد می‌تواند بررسی شود. جرزهای ضخیم خشتی مرزهای حرارتی مقاومی را میان حوزهٔ بیرون و درون فضا ایجاد می‌نمایند. ازاین‌رو، در غالب اوقات سال، تفاوت دمای

[Downloaded from jhre.ir on 2026-02-15]
[DOR: 20.1001.1.20084994.1400.40.175.2.5]
[DOI: DOI: 10.22034/40.175.79]

محسوسی میان این دو حوزه تجربه می‌شود. ساختار پلان و همچنین تقابل میان بیرون و درون، «آستانهٔ حرارتی» را شکل می‌دهد که محل مواجههٔ ساکنان از شرایط حرارتی نامطلوب به مطلوب است. تقابل این دو کنار یکدیگر، مفهوم گرما و سرما را برای افراد معنادار می‌کند و تجربهٔ آن حس خوشایندی را پدید می‌آورد. کنار این موضوع، تمرکز بر فضای درون فضای بسته دیگر همچون اتاق‌ها، به‌خصوص در فصل زمستان نیز می‌تواند مطالعه شود. نوع بازشوهای چوبی به‌همراه درزهای موجود بر آن، محدودبودن منابع سوختی و همچنین سبک زندگی قانعانهٔ افراد، حرارتی یکنواخت را در سرتاسر فضای بسته شکل نمی‌دهد؛ بلکه غالباً در یک فضا، قسمتی خنک‌تر و قسمتی گرم‌تر خواهد بود. این موضوع منجر به شکل‌گیری رفتارهای خاص و تعاملات اجتماعی به‌خصوصی می‌گردد که گاهاً مورداستقبال افراد، به‌خصوص در یک خانواده نیز می‌گردد.

«خب اتاق‌های ما که پنجرهٔ دوجداره نداره (با لبخند). از این طرف بخاری روشنه، از اون طرف سرما می‌آد داخل؛ اما ما همیشه همین جا نزدیک بخاری هستیم. خوب هم هست. همه همین جا جمع می‌شیم. هرکی هم از در می‌آد داخل، می‌آد همین جا (پاتوق‌شدن یک فضای حرارتی.)» (آقای ۷۳سالهٔ اهل مهریز. مصاحبه در ماه دی).

ویژگی‌های رفتاری: تحلیل حاصل از مصاحبهٔ مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که حظّ حرارتی به‌سبب ماهیت هیجانی خودش و متمرکزکردن توجه، تجربهٔ خوشایندی را در خاطر افراد ثبت می‌کند. این موضوع غالباً افراد را تشویق به دوام یا تکرار تجربهٔ خودشان می‌نماید. ازاین‌رو، نوعی نظام رفتاری مشخص در مواجهه با فضاهای حرارتی مطلوب صورت می‌گیرد که در برخی موارد (مانند برپایی کرسی یا برگزاری مجلس در حوض‌خانه) نیز وجهی اجتماعی به خودش می‌گیرد. تنظیم و تغییر مبلمان فضا متناسب با شرایط حرارتی (همانند چینش اتاق بر اساس منبع حرارتی)، تنظیم وضعیت بدن بر اساس آفتاب یا نسیم خنک، فرم جمع‌شدن یا پخش‌شدن افراد در فضا و مانند این‌ها، وابسته به چگونگی توزیع حرارت در فضا تعریف می‌گردند.

«سیستم زندگی ما توی سه ماهه زمستون کاملاً تغییر می‌کنه. دِر اتاق‌های کنار رو می‌بندیم و اکثر فعالیت‌هامون رو می‌بریم توی اتاق اصلی. مبل‌ها رو هم کنار بخاری می‌چینیم. سفرهٔ غذا رو هم معمولاً نزدیک بخاری پهن می‌کنیم. برای چرت بعدازظهر هم همی نجا {اشاره به محدودهٔ نزدیک بخاری} می‌خوابیم.» (آقای ۶۵ساله، ساکن کاشان).

قابل‌ذکر است که ادراک حظّ حرارتی در فضاهای مختلف بنا به حرکت و مکث یا هر دوی آن‌ها حاصل می‌گردد که متناسب با آن، از حیث زمان ممکن است از کوتاه‌مدت تا بلندمدت تجربه گردد (جدول شماره ۳).

درون، برون و تمایز حرارتی

نتایج حاصل از تحلیل‌ها نشان می‌دهد تمایز حرارتی کلید اصلی شکل‌گیری حظّ حرارت میان تعامل سه حلقهٔ انسان و معماری و اقلیم است. واژهٔ حرارت در این مقاله اطلاق کلی است که بر تعریف علمی ناظر بر مفهوم گرما و سرما و حرکت این دو دلالت می‌کند. مقصود از تمایز حرارتی، هرگونه تفاوت محسوس میان دما و رطوبت یا حرکت هواست. ازاین‌رو، هر نوع تمایز حرارتی محسوس به‌واسطهٔ فضایی که فرد با آن مواجه می‌شود، می‌تواند در نقش یک فعال‌کننده برای شکل‌گیری حظّ حرارتی محسوب شود و با سایر عوامل تعیین‌کننده (کدهای سطح اول و دوم) برای درک شرایط حرارتی مطلوب، همکاری کند.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-02-15]
[DOR: 20.1001.1.20084994.1400.40.175.2.5]
[DOI: DOI: 10.22034/40.175.79]

[Downloaded from jhre.ir on 2026-02-15]
[DOR: 20.1001.1.20084994.1400.40.175.2.5]
[DOI: DOI: 10.22034/40.175.79]

این موضوع ازلحاظ فیزیولوژیکی نیز بحث‌پذیر است. بدن انسان نیازمند است تا هموستاز[6] (تعادل حرارتی) خودش را حفظ کند (Binarti et.al., 2020)؛ اما چون دامنهٔ دمایی پویایی دارد، ممکن است در محدوده‌ای قرار گیرد که تعادل دمایی آن بر هم بخورد. در این شرایط، هرگونه رخدادی که بتواند تعادل حرارتی بدن را بازیابد، مطلوب ارزیابی می‌شود (Liu et.al., 2020). تحلیل حاصل از مصاحبهٔ مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد در موقعیتی که انسان در فضایی با شرایط دمای حاد (گرم یا سرد) قرار می‌گیرد، تعادل دمایی خودش را از دست می‌دهد که در اصطلاح، ناراحتی حرارتی او را فراهم می‌کند. چنانچه شرایطی فراهم گردد تا فرد تعادل حرارتی خودش را بازیابد، این تجربه برای او لذت‌بخش تلقی خواهد شد. نشستن در فضای آفتاب‌گیر در زمستان یا به‌جریان‌انداختن هوا در تابستان، لذتی‌هایی‌اند که در اثر بازگشت به تعادل برای انسان حاصل می‌شوند. در تفسیر این رویداد، چنین می‌توان گفت که تمایز حرارتی تجربه‌شده در این موقعیت به‌عنوان فعال‌کننده‌ای است که پیامد آن، درک حظّ حرارتی فرد از آن موقعیت است. فضاهای حرارتی پی‌درپی، گرم و سردشدن موضعی، قرارگیری در مسیر بادخور و سایر کدهای استخراج‌شده، این ویژگی مشترک را دارند که فرد را در مواجهه با تمایز دمایی مطلوبی قرار می‌دهند که برای وی حظ‌آور خواهد بود. تمرکز بر ویژگی‌های معماری در این روایت با درنظرگرفتن دو حوزه مشخص می‌گردد. فضاهایی که شرایط حادّ حرارتی را ایجاد می‌کنند و حوزهٔ بیرونی تعادل فرد را شکل می‌دهند و فضاهایی که منجر به بازگشت فرد به تعادل حرارتی مطلوب خودش می‌شوند و حوزهٔ درونی را شکل می‌دهند (تصویر شماره ۱). تحلیل یافته‌های حاصل از تجارب مشارکت‌کنندگان در این مطالعه نشان می‌دهد که هرچقدر تمایز میان حوزهٔ بیرونی (شرایط حاد) و حوزهٔ درونی (شرایط متعادل) بیشتر باشد، فرد تجربهٔ قوی‌تری را از حظّ حرارتی خواهد داشت. سایه‌های تیره و خنک ساباط کنار آفتاب گرم و روشن برای افراد لذت‌بخش‌تر است و اگر هُرم آفتاب حیاط نباشد، خنکای حوض‌خانه جذاب نمی‌گردد.

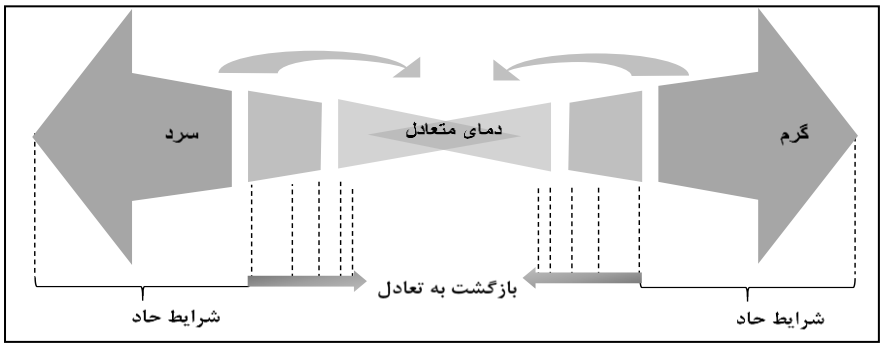

ت۱. مدل ادراک حظّ حرارت بر اساس تمایز حرارتی

معماری، تمایز و حظّ حرارتی

مقایسهٔ مصاحبه‌ها و تطبیق مصادیق مشترک و تکرار و تأکید مشارکت‌کنندگان بر آن‌ها نشان می‌دادند که هشت فضای اصلی، بیشترین سهم را بین خاطرات و تجربهٔ افراد دارا هستند. الگوی رفتاری افراد هنگامی که حظّ حرارتی را درک می‌کنند و همچنین دوام زمانی آن، در هریک از این مصادیق، به فراخور کارکرد و کالبد آن متفاوت‌اند (جدول شماره ۳). در برخی از فضاها،

به‌واسطهٔ مکث و حرکت (تصویر شماره ۲) و در برخی دیگر، به‌واسطهٔ مکث (تصویر شماره ۳) تجربهٔ حظّ حرارتی برای افراد قابل‌حصول است. ازاین‌رو، ویژگی‌های این هشت مصداق و همچنین جهت روشنگری مفهوم تمایز حرارتی به‌عنوان عامل اصلی شکل‌گیری حظّ حرارت، در ادامه دقیق‌تر بررسی می‌شوند.

ج۳. شرایط رفتاری و زمانی ادراک حظّ حرارتی در مصادیق معماری کویری

عرصهٔ معماری	مصداق	الگوی رفتاری	امتداد زمانی
فضای باز و نیمه‌باز	ساباط	حرکت	کوتاه‌مدت
	خانه‌باغ	مکث- حرکت	متغیر
	هشتی و دالان	مکث- حرکت	متغیر
	آستانه‌ها	حرکت	کوتاه‌مدت
فضای بسته	حمام سنتی	مکث- حرکت	متغیر
	حوض‌خانه	مکث	بلندمدت
	زیرزمین	مکث	بلندمدت
	فضای آفتاب‌گیر	مکث	بلندمدت
	کرسی	مکث- تجمع کانونی	بلندمدت

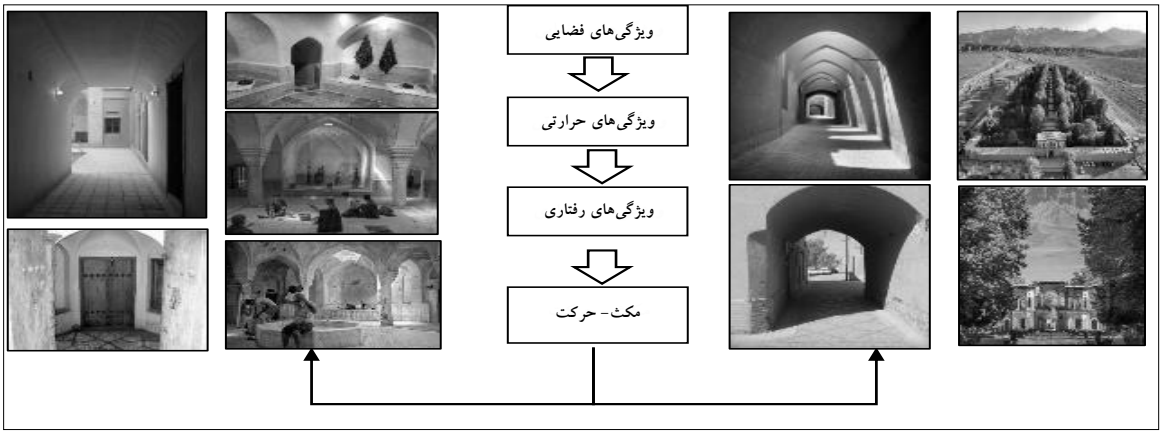

ت۲. نمونهٔ مصادیق فضایی تجربهٔ حظّ حرارتی، با توجه به رفتار مکث و حرکت

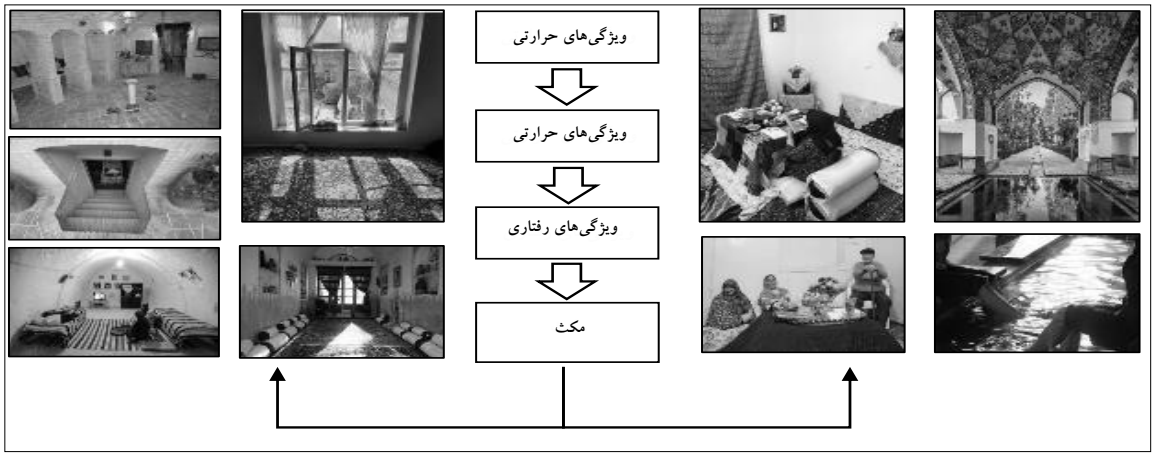

ت۳. نمونهٔ مصادیق فضایی تجربهٔ حظّ حرارتی، با توجه به رفتار مکث

[Downloaded from jhre.ir on 2026-02-15]
[DOR: 20.1001.1.20084994.1400.40.175.2.5]
[DOI: DOI: 10.22034/40.175.79]

ساباط

ساباط از اندام‌های فضای شهری است که علاوه بر نقش کارکردی، سایر نقش‌های اقلیمی و سازه‌ای و اجتماعی را نیز پذیرفته است (آزاد و سلطانی، ۱۳۹۷). به‌لحاظ معنایی، ساباط به‌عنوان مکان آسایش به کار می‌رفته است. همچنین کلیهٔ بناهایی که به‌منظور آسودن برپا می‌شده‌اند نیز ساباط نامیده می‌شده‌اند (معماریان و پیرنیا، ۱۳۸٦). از کارکردهای اقلیمی ساباط، پدیدآوردن سایه و جایگاهی خنک برای رهگذران است. این سازه به‌سبب نیمه‌پوشیده بودن در تابستان، به پدیدآمدن کوران هوای خنک کمک می‌کند. در واقع، ساباط در گذرهای آفتابی شهرهای کویری، حوزه‌ای سایه‌دار و خنک‌تر میان دو حوزهٔ آفتابی و گرم پیرامون خودش ایجاد می‌کند. هم‌نشینی این دو حوزهٔ گرم- آفتابی و خنک- بادخور و تمایز حرارتی میان آن‌ها، موقعیتی حظ‌آور را به عابرانی که پس از عبور از کوچه‌های طولانی و آفتاب‌گیر آزرده شده‌اند، هدیه می‌کند (تصویر شماره ٤).

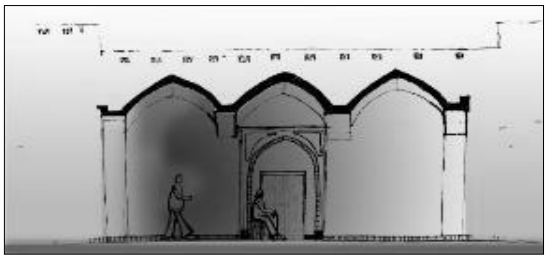

ت٤. تمایز حرارتی در ساباط‌های شهرهای کویری

«یزد، تابستان‌های خیلی داغی داره. اولین باری که یک ظهر تابستون مجبور شدم برم توی بافت تاریخ، از زیر ساباط که رد شدم، باورم نمی‌شد اینجا یزده! از یک هوای داغ، یک‌مرتبه وارد یک هوای خنک شدم. خیلی دل‌چسب بود» (آقای ٢٤ساله، اهل یزد).

خانه‌باغ

خانه‌باغ‌های کویری طیفی گسترده از محرک‌های بصری، بویایی، شنوایی و بالاخص حرارتی را فراهم می‌نمایند. شکل‌گیری خرداقلیم‌های متنوع کنار یکدیگر و در دل اقلیم کلان، مجموعه‌ای از حوزه‌های حرارتی متمایز را فراهم می‌نماید (تصویر شماره ۵). هم‌نشینی گرمای خشن کویر و فضای سایه‌دار و مرطوب و خنک باغ، حظّ آن را در خاطر افراد ماندگار می‌کند. در واقع، این تمایز شدید حرارتی است که خنکای دل‌پذیر باغ را معنادار می‌کند. فضاهای مختلف باغ‌های اصیل ایرانی، همچون فضای ورودی، دالان‌های درختی سایه‌دار، فضای مجاور حوض و مانند آن‌ها، درک هم‌زمان گرما و خنکی را کنار هم میسر می‌کنند.

ت۵. تمایز حرارتی در حوزه‌های مختلف باغ‌های کویری (باغ شاهزادهٔ ماهان)

حمام سنتی

از فضاهای بسیار پرتکرار که افراد بهترین خاطرات حظّ حرارتی خودشان را در آن ذکر می‌کردند، حمام‌های سنتی بودند که تا حدود ۳۰ سال پیش نیز در برخی از مناطق استفاده می‌شدند.

«حمام‌های الان که حمام نیست. حمام‌های قدیم همه‌چیزش به‌قاعده بود. مدت زیادی حمام‌کردن طول می‌کشید. آب گرم و بخار و آخرش هم شربت خنک. عالی بود!». (آقای ٦٥ساله، اهل کرمان).

غالب حمام‌های سنتی شامل ورودی، هشتی، بینه، میان‌در، گرم‌خانه، فضاهای خدماتی و ارتباطی هستند (رحیمی مهر و همکاران، ۱۳۹٦). هریک از این فضاها ویژگی‌های دمایی و رطوبتی خاصی دارند و بنا به آداب

[Downloaded from jhre.ir on 2026-02-15]
[DOR: 20.1001.1.20084994.1400.40.175.2.5]
[DOI: DOI: 10.22034/40.175.79]

[Downloaded from jhre.ir on 2026-02-15]
[DOR: 20.1001.1.20084994.1400.40.175.2.5]
[DOI: DOI: 10.22034/40.175.79]

حمـام، مـدت توقـف فـرد در آن تفـاوت مـی‌نمایـد. عنصرالمعالی دراین‌باره چنـین نوشـته اسـت:«چـون بـه گرمابه روی، اول به خانهٔ سرد شو و یک زمـان توقـف کن. چندان که طبع از وی حظّـی یابـد، آنگـه در خانـهٔ میانه‌گی رو و آنجا یک زمان بنشین تـا از آن خانـه نیـز بهره یابی. آنگه در خانهٔ گرم شو و ساعتی هم باشد تا حظّ خانهٔ گرم نیز بیابی. چون گرمـا در تـو اثـر کـرد، در خانـهٔ خلوت رو و آنجا سر بشوی» (عنصرالمعالی، ١٣٦٤).

قرارگیری فضاهای گرم و سرد کنار هم و با توجه بـه نقش کاربری آن، حوزه‌هایی را شکل می‌دهند که تجربهٔ آن کنار یکدیگر برای افراد حظ‌آور است؛ چراکه در هـر مرحله، فرد توقفی دارد که حالت تعادل دمایی بـدن وی را بر هم می‌زند. ازاین‌رو، تجربهٔ فضایی که تعادل دمایی او را برقرار کند، برای وی مطلوب اسـت. تجربـهٔ ورود سلسله‌وار از فضای سرد به فضای نسبتاً گرم و مرطـوب (کوچه به سربینه)، از آن به فضای کاملاً گرم و مرطوب (از سربینه به گرم‌خانه) و از آن به فضـای نسـبتاً خنـک (از خزینـهٔ گـرم بـه حـوض سـرد یـا چـال‌حـوض[٧])، زنجیرهای از تجربهٔ پیاپی حظّ حرارتی را فراهم می‌کنند (تصویر شماره ٦). این سلسله‌مراتب دمایی، برای حفظ سلامتی بر اساس نظام طبـع‌هـا نیـز قابـل‌توجیـه اسـت (طاهری، ١٣٩٥).

حوض‌خانه و فضاهای زیرزمین

حوض‌خانه از جمله فضاهای خـاص تابسـتانی اسـت که در معماری خانه‌ها و خانه‌بـاغ‌هـای سـنتی کـویری، خرداقلیمی منحصربه‌فرد ایجاد می‌نمود. اهمیت حرارتی حوض‌خانه‌ها تنها از وجه ایجـاد دمـای خنـک نیسـت؛ بلکه به‌واسطهٔ حضور آب در پهنهٔ حوض یا چشمه‌هـای منتهی به آن، سطح رطوبـت فضـا را نسـبت بـه فضـاهای هم‌جوار بالاتر می‌برد. ازاین‌رو، تمایز حرارتـی و رطـوبتی چشمگیری فراهم می‌کند که برای افراد جالب‌توجه است.

«خانهٔ مادربزرگ من حوض‌خانـه‌ای کوچـک داشـت. تقریباً تمام زندگی ما در تابستان در همان حـوض‌خانـهٔ کوچک بود. هم خنک بود و هم نسیم نـم‌داری داشـت. من آنجا را از همه‌جـای خانـه بیشـتر دوسـت داشـتم.» (خانم ٤٨ساله، اهل کرمان).

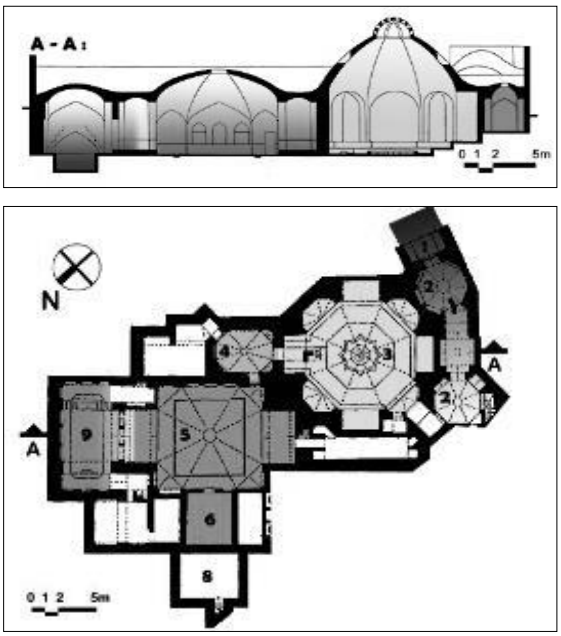

ت٦. تمایز حرارتی در حمام‌های شهرهای کویری بخش اصلی قسمت حمام بزرگ حمام گلشن یزد

زیرزمین‌ها نیز در سنت معمـاری کـویری، اتـاق‌هـای حفرشده‌ای در دل زمین تعریف می‌شوند کـه مـأمنی بـا تفاوت دمایی فـاحش نسـبت بـه هـوای بیـرون ایجـاد می‌کنند. این فضاها در زمسـتان، گـرم‌تـر و در تابسـتان، خنک‌تر از محیط هم‌جوار خودشان‌اند (Nasrollahi & Akrami, 2017).خنکـای قابـل‌ملاحظـهٔ ایـن فضـاها، قرارگاه زندگی بعدازظهر ساکنان خانه‌های کویری بـوده است؛ بـه‌طـوری کـه بسـیاری از فعالیـت‌هـای نیمـروز تابستان، همانند خوردن نهار یا خواب نیمـروزی، در آن انجام می‌شده‌اند و اهالی خانـه بـه‌دلیـل دمـا و رطوبـت مطلوب آن، کوچ روزانه‌ای از قسمت‌های دیگر خانه بـه

فضای زیرزمین داشته‌اند.

«کودکیِ ما در زیرزمین‌ها بیشتر جریان داشت. هوای بیرون واقعاً گرم و وحشتناک بود؛ اما زیرزمین خنک و دنج. خواب اونجا خیلی مزه داشت.» (خانم ۶۸ساله، اهل یزد).

هشتی و دالان

از فضاهای اصلی خانه‌های سنتی کویری، هشتی‌ها و دالان‌های ارتباطی بین اتاق‌ها هستند (زمرشیدی، ۱۳۸۷). این عناصر ارتباطی، عملکردی اقلیمی نیز دارند که به‌عنوان واسطه‌ای بین فضاهای بسته و باز عمل می‌کنند (خلاق‌دوست و معروفی، ۱۳۹۹). پوشیدگی، فرم، کشیدگی و سایه‌دار بودن هشتی و دالان کنار یکدیگر و سلسله‌مراتب ارتباطی آن‌ها با فضاهای آفتاب‌گیر و گرم مجاور سبب می‌شوند تا کوران نسبی در آن جریان یابد. بر این اساس، حوزه‌ای سایه‌دار و خنک و بادخور، جوار حوزه‌های بیرونی آن شکل می‌گیرد که تمایز حرارتی آن پتانسیل شکل‌گیری حظّ حرارتی را فراهم می‌آورد (تصویر شماره ۷). تجربهٔ مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد در خانه‌هایی که سیستم‌های سرمایشی مفصل (همچون بادگیر یا حوض‌خانه) فراهم نبوده است، هشتی و دالان به‌عنوان عضوی خنک و جذاب، مأمن زندگی بعدازظهر اهل خانه می‌شده‌اند.

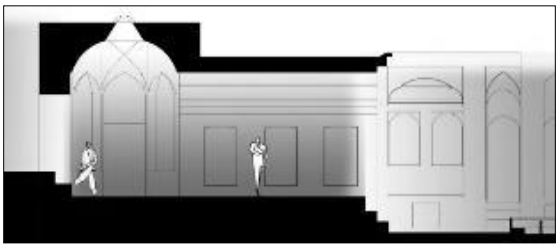

ت۷. تمایز حرارتی در هشتی و دالان خانه‌های کویری

«هشتی خونه فقط ورودی نبود. اینجا (کاشان) تابستان‌ها گرمه؛ کوچه گرمه. مردم از بیرون که می‌اومدن، هشتی و دالون (دالان) خنک بود. همین جا می‌نشستند؛ هم اهل خونه، هم همسایه‌ها و غریبه‌ها. به‌اصطلاح پاتوقشون بود.» (آقای ۵۲ساله، اهل کاشان).

فضای آفتاب‌گیر

فضاهای آفتاب‌گیر از حوزه‌های جذاب زمستانی‌اند که گسترهٔ متنوعی از تقاطع کوچه‌های آفتاب‌گیر تا ایوان‌ها و فضای پشت پنجرهٔ خانه‌ها را شامل می‌شوند. تمایز حرارتی میان هوای سرد پیرامون و گرمای تابش آفتاب، شرایطی را فراهم می‌کند تا در روزهای آفتابی زمستان، قرارگاهی شود تا افراد را به‌سوی خودش جذب کند و پاتوق انجام برخی از فعالیت‌ها و گفت‌وشنودها گردد.

«باور می‌کنید؟! من لحظه‌شماری می‌کنم برای آفتاب‌گرفتن پشت پنجره در زمستان؛ زیر آفتاب دراز بکشی. قشنگ آدم جون دوباره می‌گیره!» (آقای ۲۶ساله، اهل قم).

کرسی ایرانی

زمستان‌های سرد و خشن اقلیم کویر، غالباً افراد خانواده را به‌سوی فراهم‌کردن گرمایش کانونی سوق می‌داده‌اند. کرسی یکی از تجهیزات سنتی گرمایشی است که کانونی گرم را در فضای اتاق برپا می‌کرده است. فراهم‌شدن حوزه‌ای گرم در فضای نسبتاً سرد (فضای اتاق)، تمایز حرارتی نزدیکی را برای افراد پدید می‌آورده است. در واقع، اگرچه فضای پیرامون قسمت‌های بالاتر بدن در هوای سرد قرارگرفته است، اما پاها و سایر قسمت‌های پایینیِ بدن در حوزه‌ای کاملاً گرم قرار می‌گرفته‌اند. این تمایز دمایی بلافاصله در دو قسمت مختلف بدن، شرایط درک گرما در سرما را فراهم می‌نموده است (شکل ۸). از این حیث، علاوه بر اینکه گرما معنادارتر و ارزشمندتر درک می‌گردیده است، برای افراد نیز لذت‌بخش‌تر بوده است. این موضوع کنار سایر تعاملات خانوادگی که به‌واسطهٔ فرم

[Downloaded from jhre.ir on 2026-02-15]
[DOR: 20.1001.1.20084994.1400.40.175.2.5]
[DOI: DOI: 10.22034/40.175.79]

کرسی، حالتی جمع‌کننده به خودشان می‌گرفته‌اند نیز بااهمیت می‌شده است؛ چراکه غالب فعالیت‌های خانواده، مانند غذا خوردن، کتاب خواندن، گفت‌وگوها و غیره، در همین کانون اتفاق می‌افتاده‌اند.

«خوبی کرسی اینه که پاهات گرم می‌شن. بیرونش سرده؛ اما زیرش گرمه. گاهی که هوا سردتر می‌شه، لحاف رو تا شونه‌هامون می‌کشیم.»

ت۸. تمایز حرارتی در فضای کرسی خانه‌های کویری

مباحثهٔ نظری

همان طور که در مقدمهٔ پژوهش ذکر گردید، مفهوم حظّ حرارتی در پی نقد نظریهٔ آسایش حرارتی مبنی بر نادیده‌انگاشتن عوامل انسانی و بستر زیست او مطرح گردید (نیکولوپولو، ۲۰۰۳) و (گیل برگر و همکاران، ۲۰۱۵). این مفهوم در حال حاضر دست‌مایهٔ پژوهش در رشته‌های مختلف قرار دارد. تحلیل حاصل از مقایسهٔ نظری با پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که آنچه در پژوهش حاضر با مفهوم تمایز حرارتی، زمینهٔ درک حظّ حرارتی را برای افراد میسر می‌کند، می‌تواند در تکمیل نظرات برگر و پارکینسون مطرح گردد. اگرچه اهداف پژوهش این پژوهشگران بیشتر از منظر تغییرات فیزیولوژیک بدن انسان در درک حظّ حرارتی بوده است، اما مصداق فضاهای حرارتی غیریکنواخت و پویا را که آن‌ها تنها به آن اشاره کرده‌اند، می‌توان در «فضاهای متمایز حرارتی هم‌نشین» یا «پی‌درپی» در معماری کویری مشاهده کرد. علاوه بر آن، ساکنان چنین معماری‌ای (که مصداقی از معماری غیرفعال و سازگار است) به‌مرور زمان می‌آموزند که رفتار خودشان را با کدام فضاها و در چه زمانی تطبیق دهند تا اقامتِ حظ‌آفرین را تجربه نمایند. اگرچه تلاش معماری مدرن بر فراهم‌کردن فضاهای ایزوله و کنترل‌شده‌ای است که به‌صورت یکنواخت، گرم یا خنک باشند و کمترین تبادل حرارت را با محیط بیرون داشته باشند، اما به نظر می‌رسد توجه به قرارگیری فضاهای حرارتی متمایز با هم و کنار هم می‌تواند فرصت خلق تجربهٔ لذت‌بخش را فراهم کند.

تلاش‌های Liu و همکارانش برای سنجش حظّ حرارتی افراد بر اهمیت روش‌های کیفی جهت کشف ماهیت تجارب انسان‌ها و نحوهٔ بیان ادراک تأیید می‌کند. ازاین‌رو، روش‌هایی، همچون مردم‌نگاری و سایر روش‌های کیفی می‌توانند به این مهم کمک رسانند.

نتیجه

مطالعهٔ حاضر سعی داشته است چگونگی شکل‌گیری حظّ حرارتی در سنت معماری اقلیم کویر را جست‌وجو نماید. تحلیل حاصل از مصاحبه‌ها، مشاهده‌ها و مقایسهٔ نظری آن‌ها با یکدیگر، هفده کد اولیه را در سطح اول جای می‌دهد که این کدها می‌توانند در دستهٔ کدهای فرعی، ذیل سه ویژگی فضایی و رفتاری و اقلیمی خلاصه گردند. هریک از این سه ویژگی ناظر بر وجه معماری و انسانی و اقلیمی‌اند که سه حلقهٔ اصلی و متعامل را در شکل‌گیری حظّ حرارتی تشکیل می‌دهند. اما پدیدهٔ اصلی که محور شکل‌گیری حظّ حرارتی است و اشتراک اصلی این سه حلقه را برقرار می‌کند، تمایز حرارتی است (تصویر شماره ۹). تمایز حرارتی به‌عنوان هرگونه تفاوت دمایی و رطوبتی و حرکت هوا تعریف می‌گردد. چنانچه همکاری میان اقلیم و فضای معماری،

[Downloaded from jhre.ir on 2026-02-15]
[DOR: 20.1001.1.20084994.1400.40.175.2.5]
[DOI: DOI: 10.22034/40.175.79]

موقعیتی را فراهم کند که فرد از حالت تعادل دمایی خودش خارج گردد، هرگونه موقعیتی که بتواند او را به حالت تعادل حرارتی خودش بازگرداند، حظ‌آور تلقی می‌گردد. در سنت معماری کویر، هم‌نشینی فضاهایی که تمایز حرارتی را ایجاد می‌کنند، منجر به آفرینش حظّ حرارتی می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که تمایز حرارتی در فضاها می‌تواند نقطه‌ای مثبت تلقی گردد تا انسان‌ها از آن بهره ببرند. چنین راهبردی می‌تواند سبب کاهش مصرف انرژی نیز گردد. ازاین‌رو، شاید اصرار به هم‌دما کردن تمامی فضاهای زندگی، کاهش اثر حظّ حرارت و افزایش مصرف انرژی را در پی داشته باشد. اگرچه شاید بسیاری از مصادیق حظّ حرارت در معماری سنتی، امروزه با سبک زندگی رایج سازگاری نداشته باشند، اما ایجاد فضاهای مجاور با تمایز حرارتی مشخص، الگوی نهفته‌ای در آن است که می‌تواند راهنمای طراحی‌های آینده برای غنی‌کردن منظر حسی حرارت باشد.

علی‌رغم اینکه در سال‌های اخیر مطالعهٔ حظّ حرارتی در برخی پژوهش‌ها توجه شده است، اما ضرورت دارد پژوهش‌های بیشتری با روش‌های کمّی و کیفی و در اقلیم‌های مختلف صورت گیرند تا با هم‌افزایی دستاورد آن‌ها، نظریه‌ای استوار پدید آید. اگرچه سایر عوامل روان‌شناختی انسان نیز در شکل‌گیری حظّ حرارتی موضوعیت دارند، اما مطالعهٔ آن در قامت بیش از یک مقاله می‌گنجد که نیازمند پژوهشی جداگانه است. بر این اساس، ضروری است که در پژوهش‌های آتی، به وابستگی‌های زمینه‌ای و انسانی نیز توجه شوند.

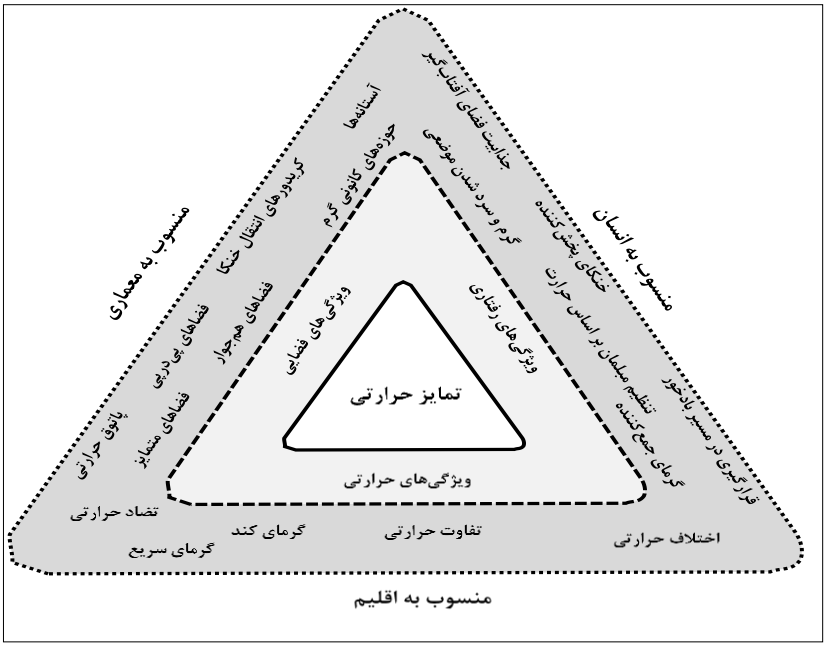

ت۹. مدل مفهومی شکل‌گیری حظّ حرارتی در معماری سنتی اقلیم کویری

پی‌نوشت

1. Pleasure

۲. اصطلاح alliesthesia عنوان ترکیبی از esthesia (به‌معنای احساس) و allios (معنی تغییریافته) ارائه شده است و این را توصیف می‌کند که لذت یا عدم‌لذت از یک احساس، تنها وابسته به محرک نیست و بستگی به سیگنال‌های درونی فرد دارد

[Downloaded from jhre.ir on 2026-02-15]
[DOR: 20.1001.1.20084994.1400.40.175.2.5]
[DOI: DOI: 10.22034/40.175.79]

(Cabanac, 1971).

۳. تکنیک Systematic compariso که در پژوهش‌های کیفی برای افزایش اعتبار آن استفاده می‌شود، به‌معنای مقایسهٔ منظم و مداوم میان عبارات و مفاهیم و کدهای استخراج‌شده از داده‌هاست تا ذهن پژوهشگر برای کشف یافته‌های جدید آماده باشد (Frericks,2021).

4. Content saturation
5. Thematic analysis
6. Homeostasis

۷. چال‌حوض یا چاله‌حوض، حوضی بزرگ و نسبتاً عمیق از آب سرد در حمام است که معمولاً کنار گرم‌خانه قرار دارد و برای آب‌تنی و شنا استفاده می‌شود.

فهرست منابع

– آزاد، میترا؛ سلطانی محمدی، مهدی.(۱۳۹۷)، گونه‌شناسی ساباط‌های بافت تاریخی نایین. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دورهٔ ۸، شمارهٔ ۱۹، ۲۲۷ – ۲٤٥.

– ایرجی‌نیا، اعظم. (۱۳۹٤)، بررسی جایگاه لذت با تکیه بر حکمت صدرا و سودگرایی بنتام. پژوهش‌های فلسفی – کلامی، دورهٔ ۱٦، شمارهٔ ٤ (پیاپی٦٤)، ۱۱٥ –۱۳۲.

– ایمان، محمدتقی. (۱۳۹۱)، روش تحقیقات کیفی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

– تقدیر، سمانه. (۱۳۹٦)، تبیین مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن در کیفیت خلق آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه. فصلنامهٔ پژوهش‌های معماری اسلامی، دورهٔ ٥، شمارهٔ ۱ (پیاپی ۱٤)، ٤۸ – ٦۷.

– حسینی، سید عبدالرحیم. (۱۳۹٦)، بررسی انتقادی چیستی لذت در فلسفهٔ اسلامی. فلسفهٔ دین، دورهٔ ۱٤، شمارهٔ ۱، ۱۲۱–۱٤٤.

– حیدری، علی‌اکبر؛ تقی‌پور، ملیحه.(۱۳۹۷)، تحلیل محرمیت در خانه‌های سنتی بر اساس نسبت توده به فضا؛ نمونهٔ موردی: خانه‌های تک‌حیاط در اقلیم گرم‌وخشک. معماری اقلیم گرم و خشک، دورهٔ ٦، شمارهٔ ۸، ۷۷ – ۹۹.

– خلاق‌دوست، متین؛ معروفی، حسام. (۱۳۹۹)، گونه‌شناسی الگوی هشتی در معماری مسکن درون‌گرای ایران (اصفهان، یزد، کاشان). شباک، دورهٔ ٦، شمارهٔ ۳ (پیاپی ٥٤)، ٤۷ – ٥٦.

– دهخدا. (۱۳۷۷)، لغتنامهٔ دهخدا. دورهٔ کامل. چاپ اول. دانشگاه تهران.

– رحیمی مهر، وحیده؛ متدین، حشمت‌الله؛ مهربانی، مهرزاد. (۱۳۹٦)، حمام‌های سنتی؛ حافظ سلامت، عامل درمان. باغ‌نظر، ۱٤، ٥۰، ۲۱ – ۳٤.

– زمرشیدی، حسین. (۱۳۸۷)، معماری ایران؛ اجرای ساختمان با مصالح سنتی. تهران: زمرد.

– سرتیپی‌پور، محسن. (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی معماری روستایی؛ به‌سوی سکونتگاه‌های مطلوب. چاپ اول. دانشگاه شهید بهشتی.

– سلیمانی، فاطمه.(۱۳۸۹)، لذت و الم از نگاه ابن‌سینا. حکمت سینوی، دورهٔ ۱٤، شمارهٔ ٤٤، ٥ – ۲۳.

– شاهچراغی، آزاده .(۱۳۸۸)، تحلیل فرآیند ادراک محیط باغ ایرانی بر اساس نظریهٔ روان‌شناسی بوم‌شناختی. هویت شهر، شمارهٔ ٥، ۷۱ – ۸٤.

– شیرازی، محمدرضا. (۱۳۹۱)، معماری حواس و پدیدارشناسی ظریف یوهانی پلاسما. چاپ اول. نشر رخ‌داد نو.

– طاهباز، منصوره؛ جلیلیان، شهربانو؛ موسوی، فاطمه. (۱۳۹۱)، آموزه‌هایی از معماری اقلیمی گذرهای کاشان؛ تحقیق میدانی در بافت تاریخی شهر. مطالعات معماری, دورهٔ ۱، شمارهٔ ۱،٥۹ – ۸۳.

– طاهری، جعفر.(۱۳۹٥)، حمام در متون طب دورهٔ اسلامی؛ نظریه و عمل. پژوهش‌های معماری اسلامی، دورهٔ ٤، شمارهٔ ۱، (پیاپی ۱۰)، ٤٦ – ٦۳.

– عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر.(۱۳٦٤)، قابوسنامه. تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: علمی و فرهنگی.

– لطفی افسانه؛ زمانی، بهادر. (۲۰۱٥)، نقش مؤلفه‌های منظر حسی در کیفیت محورهای مجهز محلی؛ مطالعهٔ موردی: محور علیقلی آقا در اصفهان. فصلنامهٔ مطالعات شهری، ٤ (۱۳)، ٤۳–٥٦.

– پیرنیا، محمدکریم، آشنایی با معماری اسلامی ایران .۱۳۸٦، تهران :چاپ ۱۱، نشر سروش دانش.

– منادی، مرتضی. (۱۳۸٦)، مردم‌نگاری. روش‌شناسی علوم‌انسانی. دورهٔ ۱۳، شمارهٔ ٥۱، ۱۱۱ – ۱۳۰.

– هشانگ لیزا، (۱۳۹۳). «شعف حرارتی»: ترجمه فخرالدین‌تفتی محمدمهدی، عمادیان‌رضوی سیده‌زینب، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول.

- Binarti, F.; Koerniawan, M. D.; Triyadi, S.; Utami, S. S.; Matzarakis, A. (2020), A review of outdoor thermal comfort indices and neutral ranges for hot-

[Downloaded from jhre.ir on 2026-02-15]
[DOR: 20.1001.1.20084994.1400.40.175.2.5]
[DOI: DOI: 10.22034/40.175.79]

humid regions. Urban Climate, 31, 100-531.
- Brager, G.; Zhang, H.; Arens, E. (2015), Evolving opportunities for providing thermal comfort. Building Research & Information, 43(3), 274–287.
- Braun V; Clarke, V. (2006), Using thematic analysis in psychology. Qualitative Research in Psychology, Vol. 3,No. 2, 77-101.
- Cabanac, M. (1971), Physiological role of pleasure. Science, 173(4002), 1103–1107.
- Camic, P; M., Rhodes; J. E.; Yardley, L. E. (2003), Qualitative research in psychology: Expanding perspectives in methodology and design. American Psychological Association.
- Frericks, Patricia. (2021), How to quantify qualitative characteristics of societal differences: a method for systematic comparison of qualitative data. International Journal of Social Research Methodology, 1-12.
- Liu, S.; Nazarian, N.; Niu, J.; Hart, M. A.; de Dear, R. (2020), From thermal sensation to thermal affect: A multi-dimensional semantic space to assess outdoor thermal comfort. Building and Environment, 182, 107112.
- Nasrollahi, Nazanin; Akrami Abarghuie, Fatemeh. (2017), Thermal Performance of Earth-Sheltered Residential Buildings: a Case Study of Yazd. Naqshejahan-Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning 6, no. 4: 1-14.
- Nikolopoulou, M.; Steemers, K. (2003), Thermal comfort and psychological adaptation as a guide for designing urban spaces. Energy Build. 35 (1), 95–101.
- Ornetzeder, M.; Wicher, M.; Suschek-Berger, J. (2016), User satisfaction and well-being in energy efficient office buildings: Evidence from cutting-edge projects in Austria. Energy and Buildings, 118, 18–26.
- Plutchik, R.; Kellerman, H. (1980), Emotion, theory, research, and experience. Academic press.
- Parkinson, T.; de Dear, R.; Candido, C. (2016), Thermal pleasure in built environments: alliesthesia in different thermoregulatory zones. Building Research & Information, 44(1), 20–33.
- Schweiker, M.; Schakib-Ekbatan, K.; Fuchs, X.; Becker, S. (2020), A seasonal approach to alliesthesia. Is there a conflict with thermal adaptation? Energy and Buildings, 212, 109745.
- Taleghani, M.; Tenpierik, M.; Kurvers, S.; Van Den Dobbelsteen, A. (2013), A review into thermal comfort in buildings. Renewable and Sustainable Energy Reviews, 26, 201–215.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-02-15]
[DOR: 20.1001.1.20084994.1400.40.175.2.5]
[DOI: DOI: 10.22034/40.175.79]